

نسبیت در مفهوم قلیل در آیه «وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» و تأثیر آن در ارزیابی دیدگاه‌های مفسران

زهرا هاشمی*

محمدحسین برومند**

چکیده

مطالعه تفاسیر گوناگون، نشان‌دهنده آن است که وحدت معنا و تفسیر برای همه آیات قرآن کریم در میان مفسران وجود ندارد. اختلاف نظر ذیل تفسیر آیه «وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» نیز یکی از این نمونه‌هاست. با نظر داشت به تفاسیر مختلف به دست می‌آید که مفسران با تکیه بر معنای ظاهری این آیه نظریاتی را ارائه داده‌اند؛ از جمله اینکه تعداد «سابقون» در امت پیامبر ﷺ از سابقونی که در امت‌های گذشته بوده‌اند، کمتر است اما در مقابل این نظرها، روایاتی وجود دارد که تعداد یاران پیامبر ﷺ در روز قیامت را بیش از یاران دیگر پیامبران دانسته است. بر این بنیاد میان این آیات و روایات تعارضی مشاهده می‌گردد که برخی از مفسران علی‌رغم کوشش خود، نتوانسته‌اند به‌طور صحیح و کامل این تعارض را بزاینده مقاله حاضر می‌کوشد بر پایه روش توصیفی - تحلیلی، این تعارض را بر طرف سازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اختلاف نظر در این آیه از نادیده گرفتن نسبی بودن واژه «قلیل» نشأت گرفته است و توجه به این نکته، تعارض بین آیه و روایات صحیح مرتبط با این موضوع را مرتفع می‌کند.

کلید واژگان

آیه ۱۴ واقعه، سابقون، آخرین، اولین، قلیل، نسبیت.

hashemi@meybod.ac.ir

m.h.baroomand@yazd.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۶

*. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد (نویسنده مسئول).

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه یزد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۱

طرح مسئله

در آیه ۱۴ سوره واقعه تعداد سابقون از آخرین، قلیل و اندک ذکر شده است. در تفسیر این آیه، بین مفسران، نزاعی سخت در گرفته است؛ از یک سو، بعضی از مفسران با تکیه بر معنای ظاهری آیات ۱۰ تا ۱۴ سوره واقعه، تعداد سابقون از «آخرین» که از امت پیامبر ﷺ هستند را در روز قیامت نسبت به امت‌های پیشین که سابقون از «اولین» هستند، اندک می‌شمارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵ / ۲۱؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۴۵۵؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۸ / ۳۰۱؛ سبزواری، ۱۴۰۶، ۸۵؛ سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲: ۵۳۴)؛ در حالی که برخی دیگر از مفسران با تکیه بر بعضی روایات از جمله: «اهل بهشت صد و بیست صف هستند که هشتاد صف آن از امت من هستند» (مجلسی، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۹۱) و یا «بی‌هیچ شکی، تعداد امت من از تعداد دیگر امت‌ها بیشتر خواهد بود و من در روز قیامت بیشترین تعداد پیروان را خواهم داشت» و نیز با تکیه بر واقعیت بیرونی؛ یعنی آمار جمعیتی که تعداد این امت را میلیون‌ها برابر امت گذشتگان احتساب می‌کند، برداشت فوق از آیه را مردود قلمداد کرده‌اند (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲ / ۳۱۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۵۸؛ شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳: ۱۲ / ۴۵۳؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰ / ۵۱۳).

این مقاله تلاش می‌کند با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا دیدگاه مفسران در این رابطه را بیان و در نهایت، راه‌حلی برای رفع تعارض موجود ارائه دهد.

دیدگاه مفسران در مورد سیاق آیه ۱۴ سوره واقعه

توجه به سیاق آیه ۱۴ سوره واقعه، برای فهم بهتر موضوع ضروری به نظر می‌رسد. در این بخش به برخی از دیدگاه‌های مفسران اشاره می‌شود:

دیدگاه مفسران در باره واژه «سابقون»

دیدگاه مفسران در مورد مصادیق سابقون در آیه مورد بحث را می‌توان در سه دسته ذیل تقسیم کرد:

۱. برخی از مفسران تعریف دقیق کلمه و تعیین مصادیق سابقون را به خداوند محول کرده و در این باره سکوت اختیار کرده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان از قرشی صاحب تفسیر *احسن الحدیث* یاد کرد. وی در تفسیر خود نوشته است:

می‌دانیم که حیات امت اسلامی تا قیامت ادامه خواهد داشت و جمعیتش هزاران برابر بیشتر از امت‌های گذشته خواهد شد، چون این چنین است پس باید پرسید:

این سابقون و مقربون چه کسانی هستند که در این امت قلیلند و در دیگر امت‌های گذشته کثیر؟! (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰ / ۵۱۳)

با این حال با واگذار کردن شناخت سابقون به خداوند با کلمه «والله اعلم» از این سؤال گذشته و آن را بدون جواب گذارده است.

۲. برخی دیگر از مفسران فقط به تعدادی از مصادیق سابقون اشاره کرده‌اند. نظرات مفسران را در این زمینه می‌توان به سه دسته ذیل تقسیم کرد:

الف) تعدادی از مفسران با اینکه «اولین» را مربوط به امت‌های گذشته دانسته‌اند؛ اما تعریف دقیق و کاملی از سابقین ارائه نداده‌اند و تنها به تعدادی از مصادیق آنها اشاره کرده‌اند. این مفسران با ذکر روایاتی این مطلب را بیان کرده‌اند که مراد از اولین فرزند آدم، مؤمن آل فرعون، حبیب نجار و صاحب یاسین هستند (بروجردی، ۱۳۶۶: ۷ / ۴۰؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۲۱؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴ / ۳۵۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۰۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۹۹)؛ به‌عنوان نمونه در نویسنده تفسیر فرات کوفی در ذیل این آیه این روایت را بیان کرده است: «ثَلَّةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ قَالَ ثَلَّةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ ابْنُ اَدَمَ الْمَقْتُولُ وَ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ وَ حَبِيبُ النَّجَّارِ صَاحِبُ يَس وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ [امیرالمؤمنین] عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ» (کوفی، ۱۴۱۰: ۴۶۵).

ب) برخی از مفسران نیز «اولون از سابقین» را تبعیت‌کنندگان پیامبران پیشین معرفی کرده‌اند (ر.ک: قمی، ۱۳۶۸: ۲ / ۳۴۸؛ شبر، ۱۴۰۷: ۶ / ۱۴۱؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۷ / ۸۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۳ / ۲۴).

ج) تعدادی از مفسران نیز «اولین» را فقط حضرت علی علیه السلام می‌دانند؛ به‌عنوان نمونه در تفسیر جلاء الاذهان آمده که:

ابن سیرین گفت: آنانند که با رسول صلی الله علیه و آله به دو قبله نماز کردند از مهاجر و أنصار. کعب گفت: اهل قرآن باشند که فردای قیامت تاج‌ها بر سر دارند و آنان باشند که سبق بردند بر دیگران به مسجد و جماعت و جهاد رفتن. ابن عباس گفت که: سابقان در هجرت سابقان باشند در آخرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفت: سابقان به نماز سابقان باشند به بهشت. عکرمه گفت: سابقان باسلام سابقان‌اند به بهشت و چون نیک اندیشه کنی جامع این خصال جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسی دیگر را نیایی. (جرجانی، ۱۳۷۸: ۹ / ۳۴۴)

۳. دسته سوم، در رابطه با آیه «السَّائِقُونَ السَّائِقُونَ» دو نظر ارائه داده‌اند:

الف) تعدادی از مفسران سابقون اول را سبقت‌گیرندگان در کارهای خیر تفسیر کرده‌اند و سابقون

دوم را سبقت‌گیرندگان در رحمت و مغفرت الهی، مثلاً علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد:

در قرآن کریم آیاتی که صلاحیت تفسیر سابقون اول را داشته باشد آیه شریفه «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْذِنُ اللَّهُ»^۱ و آیه شریفه «لِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَكَّلُهَا فَاسْتَقْبُوا الْخَيْرَاتِ»^۲ و آیه شریفه «أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»^۳ است که از این آیات به دست می‌آید مراد از سابقون، کسانی هستند که در خیرات سبقت می‌گیرند و قهراً وقتی به اعمال خیر سبقت می‌گیرند، به مغفرت و رحمتی هم که در ازای آن اعمال هست سبقت گرفته‌اند و لذا در آیه «سَابِقُوا إِلَيَّ مَغْفِرَةً مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ»^۴ به جای امر به سبقت در اعمال خیر، دستور فرموده: به مغفرت و جنت سبقت گیرند، پس سابقون به خیرات، سابقون به رحمت و مغفرتند، در آیه مورد بحث هم که می‌فرماید: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» مراد از سابقون اول، سابقین به خیرات، و مراد از سابقون دوم سابقین به اثر خیرات؛ یعنی مغفرت و رحمت است». (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۱۱۶)

با توجه به این نظر سابقون اول مبتدا و سابقون دوم خبر می‌شود.

ب) تعدادی دیگر از مفسران ذیل آیه این‌گونه بیان کرده‌اند که سابقون دوم تأکید سابقون اول و

آیه «ولئك المقربون» خبر جمله است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۳۲۵؛ فیضی، ۱۴۱۷: ۵ / ۳۴۳؛ سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲: ۵۳۴).

می‌توان هر دو نظر را پذیرفت، چون اولاً: کلام خداوند می‌تواند چند بار معنایی داشته باشد و

ثانیاً: این نظرات هیچ‌کدام از حقیقت دور نیست.

قابل ذکر است، با توجه به اولاً: آیه «ولئك المقربون» مشخص است که سابقون از بهترین

بندهای خداوند هستند که مقربین درگاه الهی‌اند و ثانیاً: حدیث امام علی علیه السلام در رابطه با تقسیم‌بندی

افراد از حیث کمیت و کیفیت و انگیزه عبادت نشان می‌دهد، سابقون همان بهترین گروه از مردم

هستند که خداوند را به خاطر عشق و محبت به او عبادت می‌کنند نه از ترس از جهنم و شوق به

۱. پس بعضی از آنان ستم‌کننده به نفس خود هستند و بعضی از آنان میانه‌رو می‌باشند و بعضی از آنان به اذن خداوند

پیشی‌گیرنده به خیرات و خوبی‌ها هستند (فاطر / ۳۲).

۲. و برای هر یک جانی است که به سوی آن روآورنده هستند، پس سبقت بگیرید در خوبی‌ها (بقره / ۱۴۸).

۳. آنها می‌شتابند در خوبی‌ها و ایشان برای آن سبقت‌گیرنده هستند (مومنون / ۶۱).

۴. به سوی مغفرت و جنتی از پروردگارتان سبقت بگیرید (حدید / ۲۱).

بهشت و ثالثاً؛ باتوجه به هدف خلقت «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات / ۵۶) و «خلق الموت و الحیاه لیبلوکم ایکم احسن عملاً» (ملک / ۲) سابقون همان احرار و آزادگانی هستند که دلشان از تمایلات دنیوی خالی و سرشار از محبت به خداوند است. سابقون کسانی هستند که در هر کار خیری از دیگران پیشی می‌گیرند و آن را به بهترین نحو ممکن انجام می‌دهند.

بررسی دیدگاه مفسران در باره واژه «اولین»

به باور مولفان، در هر جای از قرآن یک واژه نسبی است و به نسبت با همان زمان سنجیده می‌شود؛ به‌عنوان نمونه در آیات «وَكَاوُوا يَاقُولُونَ أَأَنذَأُ مِثَّنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظْمًا أَءِئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ * أَوَءَابَاؤُنَا الْأُولُونَ * قُلْ إِنَّ الْأُولِينَ وَ الْآخِرِينَ» (واقع / ۴۹ - ۴۷) کافران اجداد و پدران خود را اولون می‌خواندند و در جواب نیز خداوند هم اجداد آنها را اولون و آنها و آیندگان آنها را آخرون معرفی می‌کند.

همچنین با دقت در آیات «لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ قَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأُولِينَ» (حجر / ۱۳)؛ (اما با این حال) آنها به آن ایمان نمی‌آورند روش اقوام پیشین نیز چنین بود! و «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَضَلَ عَلَيْكُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ» (مؤمنون / ۲۴)؛ جمعیت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر بودند گفتند: «این مرد جز بشری همچون شما نیست، که می‌خواهد بر شما برتری جوید! اگر خدا می‌خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می‌کرد ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود ننشیده‌ایم!» مشخص می‌شود که اولون در سرتاسر قرآن یک واژه نسبی است و چون قرآن در زمان پیامبر نازل شده و مخاطبانش در آن زمان بوده‌اند در نتیجه افرادی که قبل از امت پیامبر بودند (از آدم تا عیسی) جز اولون محسوب می‌شوند.

دیدگاه مفسران در باره آیات «ثله^۱ من الاولین»

در این زمینه مفسران بر سه دسته هستند:

دسته یکم: اکثر مفسران بیان کرده‌اند «اولین» افرادی هستند که در امت‌های قبل از حضرت

محمد ﷺ بوده‌اند.

دسته دوم: تعدادی از مفسران بدون هیچ دلیلی اولون را نیز مربوط به امت پیامبر ﷺ دانسته‌اند و

بیان کرده‌اند که هم اولون و هم آخرون مربوط به امت پیامبر ﷺ هستند؛ با این تفاوت که اولون

۱. «ثله» در اصل به‌معنای قطعه مجتمع از پشم است، سپس به‌معنای جماعت و گروه به کار رفته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۵) «ثله» در اینجا به قرینه مقابله با «قلیل من الآخرین» به‌معنای قطعه‌ای عظیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۲۰۶).

مربوط به افرادی است که در ابتدای این امت بوده‌اند و اخرون مربوط به افرادی است که در اواخر این امت قرار گرفته‌اند؛ به‌عنوان نمونه فخرالدین رازی - از اشاعره - ذیل این آیه و در پاسخ به این سؤال که اولین و آخرین چه کسانی هستند؟ به سه گروه ذیل اشاره کرده است: قول مشهور که آنها کسانی هستند که قبل از پیامبر بودند از سابقون را امت‌های قبلی و مقصود از اخرون را امت پیامبر ﷺ می‌گیرد؛ مقصود از سابقون، مهاجران و انصار هستند و منظور از اخرون کسانی هستند که بعد از ایشان می‌آیند.

دسته سوم: مقصود از سابقون از اولین، صحابه هستند و منظور از اخرون، صغار تابعین هستند. دسته چهارم: بعضی از مفسران از جمله: مغنیه، در رابطه با اینکه آیا هر دو گروه اولون و اخرون مربوط به امت محمد ﷺ است یا فقط اخرون مربوط به امت پیامبر ﷺ است، سکوت اختیار کردند. (مغنیه، بی تا: ۷۱۴).

بر این پایه و با توجه به توضیحی که ذیل سؤال یکم و دوم بیان شد، جواب این سوال نیز روشن است که سابقون از اولون، آن دسته از افرادی هستند که خداوند را تنها از روی عشق و محبت عبادت کردند، البته اینان در امت پیامبر نبوده و در امت‌های پیامبران پیشین قرار داشته‌اند.

دیدگاه مفسران در باره واژه «آخرین»

اکثر مفسران، «آخرین» را مربوط به امت پیامبر ﷺ دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۲۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۲۰۶؛ سبزواری، ۱۴۱۹: ۵۳۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۲۵۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۵ / ۲۵۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۷۸؛ نیشابوری، ۱۴۱۵: ۲ / ۷۹۴).

شایان ذکر است، کلمه «آخرین» نیز همانند کلمه «اولون» یک واژه‌ای نسبی است که به نسبت زمان سنجیده می‌شود و آیات «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (شعرا / ۸۴) و «وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ» (صافات / ۷۸، ۱۰۸، ۱۲۹) را می‌توان به‌عنوان تأیید مطلب بیان شده ارائه داد.

دیدگاه مفسران در باره مقصود از «سابقون از آخرین»

نظرات مفسران در این باره به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. آخرین از سابقون آن دسته از افرادی هستند که در اجابت دعوت پیامبر اسلام ﷺ پیشی و سبقت گرفتند (طوسی، بی تا: ۹ / ۴۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۳۲۵).
۲. آخرین از سابقین منحصرأً چهارده معصوم و بعضی از اهل بیت و بستگان آنها هستند که دارای مقام عصمت بوده‌اند (طیب، ۱۳۶۹: ۱۲ / ۳۹۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۳۴).

۳. تنها حضرت علی علیه السلام است که جزء سابقون از آخرین است (بروجردی؛ ۱۳۶۶: ۷ / ۴۰؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۲۱؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴ / ۳۵۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۰۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۹۹؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۴۶۵).

قابل ذکر است چنان‌که گفتیم، سابقون از آخرین کسانی هستند که خداوند را فقط به خاطر عشق و محبتش و بدون در نظر گرفتن انگیزه‌های دیگر عبادت می‌کنند و جزء امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز هستند.

دیدگاه مفسران در باره واژه قلیل در آیه «وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ»

الف) کمیت و تعداد کمتر: مقربین از امت‌های گذشته جمعیت بسیاری و از این امت جمعیت کمتری بوده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۲۱).

ب) کیفیت و کثرت معنوی: اگرچه تعداد سابقین امت پیامبر صلی الله علیه و آله اندک است اما کثرت معنوی ایشان به هیچ وجه قابل قیاس به تقرب رسولان و اوصیاء و پیامبران گذشته نیست (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۶ / ۱۱۵).

با توجه به اینکه خداوند حکیم است و کار بی‌هوده انجام نمی‌دهد، استفاده از کلمه قلیل و عدم استفاده از واژه‌ای رساتر و گویاتر مثلاً: «خیر» در آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» نشان می‌دهد که خداوند علاوه بر اشاره به کیفیت، کمیت را نیز در نظر داشته است.

شایان ذکرست اگر فقط قرآن و فقط برداشت ظاهری بعضی از مفسران از آیه را و تنها تعداد سابقون از آخرین را که از امت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، نسبت به سابقون از اولین که از دیگر امت‌ها هستند، تعداد سابقون از آخرین از این امت، نسبت به تعداد سابقون از اولین از دیگر امت‌ها، کمتر است اما اگر پای دیگر ادله به وسط کشیده شود، این نظریه اشتباه است؛ چراکه برخی از روایات و واقعیت بیرونی و آمار جمعیتی نشان می‌دهد که تعداد سابقون از آخرین نمی‌تواند و نباید کم باشد؛ به تعبیر دیگر بین ادله در تعیین قلت یا کثرت تعداد سابقون از آخرین تعارض وجود دارد، حال چه باید کرد؟ آیا برداشت بعضی از مفسران از آیه اشتباه است یا روایات و آمار ناظر به امر دیگری است؟

به تعبیر دیگر از آنجا که روایات صحیحی مثل: «اهل بهشت صدویست صف هستند که هشتاد صف آن از امت من هستند» (مجلسی، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۹۱) و یا: «بی‌هیچ شکی، تعداد امت من از تعداد دیگر امت‌ها بیشتر خواهد بود و من روز قیامت بیشترین تعداد پیروان را خواهم داشت را وجود دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله در این روایات اشاره‌ای به گروه خاصی از امت خویش نکرده‌اند، لذا تعارضی بین آیات که تعداد سابقون از آخرین از امت پیامبر صلی الله علیه و آله را کم می‌داند با روایات که تعداد را زیاد می‌داند، پیش می‌آید.

راه‌حل مفسران در رفع تعارض

در ارتباط با تعارض موجود و رفع آن، مفسران را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد:

۱. مفسرانی که اصلاً متوجه تعارض نشده یا طوری عمل کرده‌اند که گویا تعارضی نیست یا اگر هست نشان داده نشود.

۲. مفسرانی که متوجه تعارض شده و به آن اشاره کرده‌اند اما از حل آن خود را عاجز دیده‌اند.

۳. مفسرانی که ضمن توجه به تعارض در مقام رفع تعارض بر آمده اما موفق نبوده‌اند.

توضیح آنکه عده‌ای از مفسران ذیل تفسیر آیه «قلیل من آخرین» بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به این مطلب که بین این آیه و روایات رسیده از نبی اکرم صلی الله علیه و آله تعارضی وجود دارد؛ فقط به معنای ظاهری آیه بسنده کرده و بیان کرده‌اند که معنای آیه مورد بحث این است که مقربین از امت‌های گذشته جمعیت بسیار و از این امت جمعیت کمتری بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵ / ۱۲۱؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۴۵۵ / سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲: ۵۳۴).

اما برخی از مفسران متوجه تعارض شده و به آن اشاره کرده‌اند اما خود را از حل آن عاجز دیده‌اند؛ برای نمونه قرشی در *احسن الحدیث* می‌نویسد: «می‌دانیم که امت اسلامی تا قیامت ادامه خواهد داشت و جمعیتش هزاران برابر بیشتر از امت‌های گذشته خواهد بود، در این صورت این سابقون و مقربون چه کسانی هستند که در این امت عده قلیلی می‌باشند و در امت‌های گذشته بسیار؟!» این سخن نشان می‌دهد که تعارض را متوجه شده اما چون پاسخش نداشته، با کلمه «والله اعلم» از این تعارض گذشته و آن بی‌جواب گذاشته است (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰ / ۵۱۳). مغنیه نیز با بیان اینکه: «مفسران در مورد اینکه آیا هر دو گروه اولون و آخرون مربوط به امت محمد صلی الله علیه و آله است یا فقط آخرون مربوط به امت پیامبر صلی الله علیه و آله است، اختلافات زیادی دارند» نشان می‌دهد که به تعارض توجه دارد اما چون پاسخی ندارد می‌گوید: «همان‌طور که خدا در این رابطه سکوت کرده، من نیز سکوت می‌کنم» (مغنیه، بی‌تا: ۷۱۴).

مفسرانی نیز ضمن توجه به تعارض در مقام رفع تعارض بر آمده‌اند که این دسته را با توجه به تغییر یکی از طرفین تعارض و ادله می‌توان به دو گروه ذیل تقسیم کرد:

الف) کسانی که فهم از آیه را تغییر داده‌اند.

ب) کسانی که فهم از روایت و واقعیت بیرون و آمار جمعیتی را عوض کرده‌اند.

۱. بررسی عملکرد مفسران گروه اول

انواع تغییرات از منظر این مفسران در تغییر در معنای کلمه قلیل از کمیت به کیفیت و اتخاذ فقط

کیفیت، تغییر در مصداق آخرین و اولین و اختصاص هر دو به امت محمد ﷺ و نه امت‌های دیگر و تغییر با انحصار در مصداق آخرین و اولین به افراد برگزیده خلاصه می‌شود؛ بدین شرح که تعدادی از مفسرانی که در صدد تغییر کلمه قلیل از کمیت به کیفیت بر آمده‌اند، برای رفع تناقض گفته‌اند:

الف) کثرت عددی دلیل بر کثرت کیفی نیست و به تعبیر دیگر ممکن است تعداد سابقون این امت کمتر باشند ولی از نظر مقام بسیار برتر، همانگونه که در میان خود پیامبران نیز تفاوت است: «تِلْكَ الرَّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» ما بعضی از رسولان را بر بعض دیگر برتری دادیم (بقره / ۲۵۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۲۰۷)؛

ب) صاحب *تفسیر الفرقان* گفته: گرچه سابقون این امت به لحاظ عدد از سابقون دیگر امم کمترند اما از لحاظ مرتبه بالاترند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۸ / ۶۶).

البته این سخن، در جای خود سخن درستی است، اما بحث اینجاست که اگر خداوند نظری به کمیت نداشته و فقط کیفیت را در نظر داشته، چرا کلمه قلیل را آورده که به صراحت به کمیت اشاره دارد؟ چرا لفظ قلیل را به کار برده است؟ با توجه به این نکته که ما معتقدیم خداوند حکیم است و حرف بیهوده و لغو نمی‌زند و برای هر کلمه‌ای که در قرآن آورده دلیلی داشته است. از این گذشته یکی از مفسرانی که همین نظر را ارائه داده در ذیل این آیات روایتی را از تفسیر نورالثقلین^۱ مبتنی بر کثرت سابقین امت پیامبر آورده است. ایشان در ذیل این آیه آورده است «در حدیثی می‌خوانیم که ابن عباس می‌گوید: از رسول خدا ﷺ درباره این آیه سؤال کردم، فرمود: جبرئیل به من چنین گفته است: «ذَلِكَ عَلِيٌّ وَ شِيعَتُهُ هُمُ السَّابِقُونَ إِلَى الْجَنَّةِ، الْمُقْرَبُونَ مِنَ اللَّهِ بِكَرَامَتِهِ هُمْ: أَنَّهُمْ عَلَى اللَّهِ وَ پيروان او هستند که پیشگامان به سوی بهشت و مقربان درگاه خداوند به خاطر احترامی که خدا برای آنها قائل شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۲۰۵).

تعداد دیگری از مفسران برای رفع تناقض در مصداق آخریت و اولین تغییراتی ایجاد کرده به طوری که هر دو گروه را به امت محمد ﷺ اختصاص داده‌اند. این مفسران گفته‌اند: هر دو آیه «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» مربوط به امت حضرت محمد ﷺ است؛ زیرا روایت داریم: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ هُمَا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲ / ۶).

تعداد دیگری از مفسران با انحصار در مصداق آخرین و اولین به افراد برگزیده برای رفع تناقض

۱. متن حدیث: «في أمالي شيخ الطائفة قدس سره باسناده الى ابن عباس قال: سألت رسول الله ﷺ عن قول الله عزوجل: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقْرَبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ» فقال: قال لي جبرئيل ﷺ: ذلك علي و شيعته هم السابقون إلى الجنة، المقربون من الله بكرامته لهم. (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۲۰۹).

گفته‌اند: مراد از اولین، پیامبران گذشته و مراد از آخرین، ائمه علیهم‌السلام هستند، بدیهی است، پیامبران در امت‌های گذشته هزاران نفر بوده‌اند و امامان در این امت فقط ۱۴ نفر هستند. (به‌عنوان نمونه ر.ک: قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۱۰ / ۵۱۳)

برخی از مفسران برای رفع تناقض بین روایات با آیه «وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ»، با ذکر روایاتی این مطلب را بیان کرده‌اند که مراد از اولین فرزند آدم، مؤمن آل فرعون، حبیب نجار و صاحب یاسین و مراد از آخرین حضرت علی علیه‌السلام هستند. (ر.ک: بروجردی، ۱۳۶۶: ۷ / ۴۰؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۲۱؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴ / ۳۵۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۰۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۹۹) به‌عنوان نمونه نویسنده تفسیر فرات کوفی در ذیل آیه فوق این روایت را بیان کرده است: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْاٰخِرِينَ قَالَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ اِبْنُ اَدَمَ الْمَقْتُوْلُ وَ الْمُؤْمِنُ آلَ فِرْعَوْنَ وَ حَبِيبُ النَّجَّارِ صَاحِبُ يَسَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْاٰخِرِينَ [امیرالمؤمنین] عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ» (کوفی، ۱۴۱۰: ۴۶۵)

در نقد نظر مفسرانی که طبق روایت «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْاٰخِرِينَ قَالَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ اِبْنُ اَدَمَ الْمَقْتُوْلُ وَ الْمُؤْمِنُ آلَ فِرْعَوْنَ وَ حَبِيبُ النَّجَّارِ صَاحِبُ يَسَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْاٰخِرِينَ [امیرالمؤمنین] عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ» بیان کرده‌اند که چون در گذشته سه نفر جزو سابقین بودند و در امت حضرت محمد تنها حضرت علی علیه‌السلام سابق بوده، خداوند فرموده «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْاٰخِرِينَ» باید گفت که اگر روایات صحیح باشد و جای هیچ‌گونه شکی در آن نباشد اما معصوم علیه‌السلام درصدد بیان مصادیق سابقون بوده است نه بیان تفسیر کل آیه. از این گذشته اگر ما سابقین امت پیامبر را فقط حضرت علی علیه‌السلام بدانیم پس دیگر معصومین چه؟ آیا آنها جزو سابقین نبوده‌اند. در امت‌های گذشته نیز همینطور. آیا پیامبران را باید از گروه سابقین جدا دانست؟ پس چگونه می‌توان سابقین را فقط مختص این چهار نفر دانست. آیت‌الله مکارم شیرازی در نقد این افراد بیان کرده که «[سابقون] کسانی هستند که نه تنها در ایمان پیشگامند، که در اعمال خیر و صفات و اخلاق انسانی نیز پیشقدمند و به همین دلیل مقربان درگاه خداوند بزرگند. بعضی از مفسران پیشگام بودن آنها را تنها به سبقت در طاعت الله (اطاعت خدا) یا نمازهای پنج‌گانه، یا جهاد، یا هجرت، یا توبه، و امثال آن تفسیر کرده‌اند، هر کدام گوشه‌ای از این مفهوم وسیع را مورد توجه قرار داده‌اند و گرنه این کلمه اینها و غیر اینها از خیرات و برکات را شامل می‌شود و نیز اگر در روایات اسلامی گاه «سابقون» به چهار نفر «هابیل» و «مؤمن آل فرعون» و «حبیب نجار» که هر کدام در امت خود پیشگام بودند و همچنین امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام که نخستین مسلمان از مردان بود تفسیر شده، در حقیقت بیان مصداق‌های روشن آن است و به معنای محدود ساختن مفهوم آیه نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۲۰۴).

۲. بررسی عملکرد مفسران گروه دوم

چنان‌که اشاره شد برخی از مفسران برای رفع تناقض فهم از روایت و واقعیت بیرون و آمار جمعیتی را تغییر داده‌اند؛ برای نمونه عده‌ای از مفسران روایات وارده را که در مورد کثرت امت پیامبر هستند، تنها مربوط به اصحاب یمین می‌دانند. در این زمینه می‌توان به نظر علامه مجلسی در *بحار الانوار* اشاره کرد که معتقد است روایت «إِنَّ أُمَّتِي يَكْثُرُونَ سَائِرَ الْأُمَمِ» را می‌توان در مورد اصحاب یمین دانست همان‌طور که در قرآن آمده «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ». همچنین از میان مفسران اهل سنت می‌توان به‌نظر زمخشری - از معتزله - صاحب *تفسیر الکشاف* اشاره کرد. وی در ذیل این آیه بیان کرده که: اولین در آیات «ثله من الاولین وقلیل من الآخِرین» مربوط به امت‌های گذشته یعنی از زمان آدم تا قبل از پیامبرست و آخرین مربوط به امت پیامبر است و اگر سؤال شد که این آیات با روایت «الثلاثان جمعاً من امتی» که از پیامبر نقل شده در تعارض است در جواب می‌گوییم که این آیه در مورد سابقین است اما روایت پیامبر در مورد اصحاب یمین است اما امت‌های گذشته از هر دو نظر در کثرت هستند (زمخشری، ۱۴۰: ۴ / ۴۵۸).

در نقد نظر مفسرانی که مشابه این نظرات، معتقد هستند که آیه تعارضی ندارد و منظور پیامبر از امت در حدیث «ان امتی یكثرون سائر الامم و انا اکثر الناس تبعاً یوم القیامه» تنها اصحاب یمین بوده که در مورد آنها آمده «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ»، باید گفت: آنها از کجا این مطلب را آورده‌اند که نظر پیامبر فقط اصحاب یمین بوده است. اگر تنها این نظر را داشته پس ترجیح امت پیامبر بر دیگر پیامبر آنچه بوده؟ در این آیه امت پیامبران پیشین نیز با تعبیر «ثله من الاولین» هست. پس باید احتمال داد که منظور هر دو گروه (سابقون و اصحاب یمین) و یا فقط گروه سابقون باشد. در این صورت در مورد اصحاب یمین که کسی هیچ شکی ندارد اما بحث اینجاست که تکلیف سابقین چه می‌شود؟

برخی دیگر نیز این روایات را ناظر به تابعین امت پیامبر می‌دانند؛ به‌عنوان نمونه نویسنده *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب* در ذیل این آیات می‌نویسد: «این آیه با روایت منافاتی ندارد؛ زیرا سابقون امت‌های گذشته بیشتر از امت پیامبر است و تابعین امت پیامبر بیشتر از امت‌های گذشته است.»^۱ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۳ / ۲۴). همچنین علامه مجلسی در *بحار الانوار* می‌نویسد: «به این دلیل سابقین امت پیامبر کمتر هستند که تعداد کسانی که دعوت پیامبر را در ابتدا اجابت کردند کمتر از کسانی بود که دعوت پیامبران پیشین را استجابت کردند اما تابعین امت پیامبر بیشتر هستند به همین دلیل این آیه

۱. و لا یخالف ذلك قوله: إِنَّ أُمَّتِي يَكْثُرُونَ سَائِرَ الْأُمَمِ. لجواز أن يكون سابقون سائر الأمم أكثر من سابقی هذه الأمة، و تابعوا هذه الأمة أكثر من تابعیهم.

با روایت «إن أمتی یکترون سائر الأمم» مخالفت نمی‌کند» (مجلسی، بی‌تا، ۶۶ / ۱۵۷).

در نقد نظر این مفسران باید گفت: این مفسران بر پایه چه مبنایی سابقین را فقط به این گروه مقید کرده‌اند. اگر دقت شود مشاهده می‌گردد که همین مفسران در ذیل آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» سابقون را به کسانی که به سوی کارهای خیر سبقت می‌گیرند، تفسیر کرده‌ند؛ پس چگونه در این آیه آنها را مختص به یک گروه و زمان کردند. از این گذشته اگر سابقین فقط مختص زمان خود پیامبر باشند، آیا این با عدل خداوند سازگار است که بهشت آنها را با بهشت کسانی که در زمان پیامبر ﷺ حضور نداشتند اما خدا را از روی عشق و محبت عبادت کردند، جدا کند. آیا خداوند بدون امتحان و آزمون چنین کاری را انجام می‌دهد؟

راه‌حل پیشنهادی در رفع تعارض و تعیین تعداد سابقون از آخرین

با نظر داشت به تفاسیر مختلف روشن شد که در حقیقت هیچ‌کدام از مفسران تعارض بین روایاتی که بیانگر کثرت امت پیامبر ﷺ در روز قیامت هست آیه مورد نظر را حل نکرده‌اند و آن را بدون جواب رها کرده‌اند.

راه‌حل ما برای رفع تعارض بدوی و حل مشکل، توجه به نسبت موجود در مفهوم قلیل است، نکته‌ای که مورد غفلت مفسران واقع شده است، در حقیقت باید روشن کرد: مقایسه چگونه و بر چه اساسی صورت گرفته است؟ مقایسه تعداد سابقون این امت با دیگر امت‌ها و حکم به قلیل و اندک بر چه اساسی و با توجه به چه نسبتی بوده است؟ مقایسه، بالنسبه به چه چیزی سنجیده شده و حکم به قلیل به لحاظ کدام‌یک از طرفین صادر شده است؟ آیا کل جمعیت و مجموع افرادی که هریک از این سابقون در آن هستند در نظر گرفته شده؟ مسلماً، باتوجه به محتوای روایات و آمار جمعیتی، اگر مقایسه با توجه به کل جمعیتی که سابقون امت محمد ﷺ در آن هستند لحاظ شود، همین قلیل، کثیر خواهد شد. برای تبیین بهتر، ارائه مفهوم نسبت و تفسیر سیاق آیات مورد نظر ضرورت می‌یابد.

۱. مفهوم نسبت

نسبت از ریشه «ن س ب» و در لغت به معنای اتصال الشیء بشیء است (ابن فارس، ۱۳۸۹: ماده نسب). در *التحقیق* نیز نسب دارای اصل واحدی دانسته شده که معنای آن ربط میان دو چیز است و از مصادیق آن ربط بین افراد فامیل و خویشاوند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۹۳). اما در مفهوم اصطلاحی برابر گفته اندیشمندان، نسبت صفتی است که از مقایسه دو امر با یکدیگر و یا یک امر در دو موقعیت مختلف به دست می‌آید و می‌توان از مقایسه زمانی و یا مکانی و یا قومی و ملی و حتی ادیان و شرایع و

امثال اینها آن را به‌دست آورد (بزرگ مقام، ۱۳۷۳: ۳۶). علامه طباطبایی در تعریف نسبیت می‌نویسد:

نسبیت؛ یعنی وابستگی به امر یا اموری متغیر و خارج از ذات خود، بنابراین نسبیت یک مفهوم اخلاقی به این است که صدق یا عدم صدق آن بر یک صفت درونی یا رفتار بیرونی، وابسته به عوامل متغیر و خارج از حقیقت آن صفت یا رفتار باشد؛ عواملی از قبیل فرد واجد آن صفت یا فاعل آن رفتار، جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند و آن هنجار در آن رخ می‌دهد و شرایط زمانی آن، مثلاً نوشیدن اندکی شراب و عدم پای‌بندی به حجاب برای فردی که در جامعه مسیحی زندگی می‌کند، رذیلت اخلاقی شمرده نمی‌شود ولی برای شهروندان جامعه اسلامی امری زشت و خلاف اخلاق است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۳۷۷ - ۳۷۶)

نسبیت مورد نظر را با یک مثال نیز می‌توان توضیح داد، بدین‌گونه که نمره هفده در مقایسه با شانزده، گرچه نمره مطلوبی است؛ اما همین نمره؛ در مقایسه با هیجده نامطلوب است، ضرب‌المثل‌های «گرچه شیر است در برابر موش لیک موش است در برابر شیر» و «حسنت الابرار سیئات المقربین» (به شرط عدم لحاظ وحدت مصادیق ابرار و مقربان که البته وجه درست وحدت مصادیق این دو گروه است) - تا حدودی - بیانگر نسبیت مطلوب مورد نظر ماست، در مسایل مرتبط با احکام مثلاً نماز شب برای رسول اکرم ﷺ واجب است و عدم انجام آن برای ایشان پیامد منفی دارد، اما همین نماز در صورت عدم انجام برای ما پیامدی نداشته و در صورت انجام، برای ما مستحب و بسیار مستحسن است. بر این اساس بعضی کلمات قرآنی از جمله «قلیل» دارای مفهوم و معنای نسبی هستند، با این تعریف، نسبیت در مفهوم «قلیل» بدین معناست که همه گزاره‌های قرآنی مرتبط با این مفهوم با اختلاف زمان، شرایط و جامعه قابل تغییرند و بر اساس سیاق خود سنجیده می‌شود. این مفهوم در مقابل مطلق بودن مفاهیمی است که با تغییر شرایط تغییر نمی‌کند. بنابراین «کمیت» امری نسبی است که هیچ وسیله مطلق برای اندازه‌گیری آن نیست جز استفاده از اندازه‌های دیگر. در آیه مورد بحث قلیل بودن نسبت به جمعیت اندازه‌گیری شده است.

شایان ذکر است این نظریه نسبیت با نظریه نسبیت مذموم پلورالیستی یا نسبیت معرفت دینی متفاوت است؛ چراکه نسبیت معرفت دینی که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مبانی تکثرگرایی شناخته شده است و متأثر از روش هرمنوتیک غرب است تلاش می‌کند فهم صحیح متن دینی را دست‌نیافتنی نمایاند. کثرت‌گرایان برای تبیین نظر خود از مبانی معرفت‌شناسی کانت و نوکانتیان بهره گرفته و با تکیه بر نسبی بودن شناخت و فهم دین برای اثبات مدعای خود به دلایلی چون

تفکیک میان واقعیت و درک ما از آن، چند لایه و صامت بودن متون دینی و همگانی بودن فهم دینی استناد می‌کنند (موحدی ساوجی، ۱۳۹۳: ۹۱).

افزون بر اینکه از منظر نگاهی برون‌دینی این دیدگاه که به نوعی نسبت‌گرایی و شکاکیت معرفت‌شناختی منتهی می‌شود، قابل نقد است، آیات قرآن کریم از جمله آیات هود / ۱۱۰، نمل / ۶۶، جاثیه / ۳۲، ابراهیم / ۱۰ - ۹؛ بقره / ۱۵۹ و... مورد نکوهش قرار گرفته است.

۲. ارائه راه‌حل در تفسیر آیه مورد بحث

خدای متعال در سوره واقعه پس از ذکر بعضی از حوادثی که قرار است در آینده برای عالم هستی اتفاق بیفتد؛ در این آیات بیان می‌کند که انسان‌ها در روز قیامت به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروه یکم اصحاب میمنه‌اند که افرادی خوش یمن و مبارک هستند؛ گروه دوم افراد شوم و بد عاقبت و گروه سوم سابقین هستند: «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً * فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمِ * وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه / ۱۱ - ۷).

پس از معرفی سه گروه، بلافاصله به پاداش و ویژگی گروه سوم؛ یعنی سابقون اشاره و فرمود: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ وَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ»: تعداد کثیری از سابقین از امت‌های گذشته و تعداد اندکی از امت پیامبر ﷺ بودند».

سؤال اینجاست که اگر این آیات صحیح باشد و تعداد سابقین امت پیامبر اندک باشند، پس تکلیف روایتی نظیر «ان امتی یکترون سائر الامم و انا اکثر الناس تبعا یوم القیامه» که از پیامبر به ما رسیده چه می‌شود؟ این تعارض بین این دو آیه و این روایت چه می‌شود؟

جوابی که تمام این تعارض‌ها را از بین می‌برد، این است که خدای متعال با توجه به جمعیت هر زمان فرموده «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ وَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ» و چون در امت‌های پیشین، جمعیت افراد نسبت به امت پیامبر ﷺ کمتر بوده تعداد سابقینی که از آن امت انتخاب و برگزیده شده‌اند، تعداد قابل ملاحظه‌ای است اما در امت پیامبر ﷺ به دلیل بیشتر شدن جمعیت افراد سابقینی که انتخاب می‌شوند قابل ملاحظه نیستند و کمتر از کل جمعیت می‌شوند، به‌طور مثال اگر جمعیت کل امت پیش از پیامبر ﷺ شصت میلیون باشد، تعداد کل سابقین آنها چهل میلیون نفر می‌شدند و یک جمعیت قابل ملاحظه‌ای به‌دست می‌آید اما در امت پیامبر که تقریباً جمعیت جهان هفت میلیارد نفر است بر فرض اینکه یک میلیارد از کل جمعیت هم به‌عنوان سابقین انتخاب شوند به نسبت جمعیت کمترین تعداد هستند اما به نسبت جمعیت پیشینیان باز جمعیت بیشتر و قابل ملاحظه‌تری به‌دست

می‌آید و از آنجا که وقتی تعداد افراد بیشتر می‌شوند آزمون و امتحانی که سابقین باید به خوبی از آن گذر کنند سخت‌تر می‌شود و آن افراد باید زحمت بیشتری بکشند، بنابراین درجه و مرتبه آنها نیز بالاتر از افرادی می‌شود که در یک جمعیت کمتر انتخاب شده‌اند.

برای بیان ملموس‌تر چنین می‌پرسیم: آیا درجه دانشجویی که در یک جمعیت کمتر دانشگاهی مثلاً در یک دانشگاه حائز رتبه اول شود، بیشتر است یا دانشجویی که در جمعیتی بیشتر مانند کل کشور حائز رتبه اول شود؟ قطعاً کسی که رتبه اول در کل کشور می‌شود، بالاتر و باارزش‌تر است.

نتیجه

هر چند همه تعارض‌های قرآنی ظاهری و قابل رفع هستند اما مطالبی که اکثر مفسران بر اساس آنها آیه «قلیل من الاخرین» را تفسیر کرده‌اند، مطالبی هستند که دلیلی بر صحت آنها یافت نمی‌گردد و تعارض بین آیات با روایات پیامبر ﷺ را که مبتنی است بر کثرت اصحاب پیامبر ﷺ در روز قیامت، برطرف نمی‌کند. بهترین نظری که می‌تواند این تعارض را مرتفع سازد این است که خداوند با توجه به جمعیت هر زمان فرموده «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْاٰخِرِينَ» و چون در امت‌های پیشین جمعیت افراد به نسبت امت پیامبر کمتر بوده‌اند، تعداد سابقینی که از آن امت انتخاب و برگزیده شده‌اند، تعداد قابل ملاحظه‌ای است اما در امت پیامبر به دلیل بیشتر شدن جمعیت افراد سابقینی که انتخاب می‌شوند، قابل ملاحظه نیستند. در واقع نکته‌ای که مفسران از آن غفلت کرده‌اند توجه به نسبی بودن واژه «قلیل» در امت‌های گذشته و امت پیامبر بوده است و تنها با کمک این مطلب می‌توان تعارض بین روایات وارده را با این آیه برطرف نمود. همچنین از آنجا که سابقین امت پیامبر از میان گروه بیشتری انتخاب شده‌اند درجه و مقام آنها از سابقین امت گذشته نیز بیشتر و بالاتر است.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹، مناقب آل ابی طالب ﷺ، قم، علامه.
- ابن عربی، محمد بن علی، ۱۴۲۲ ق، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن فارس، احمد، ۱۳۸۹ ق، معجم مقاییس اللغة، مصر، مطبعه المصطفی.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.

- بروجردی، سید محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، *تفسیر جامع*، تهران، صدر، ج ۶.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، *الکشف و البیان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- جرجانی، حسین بن حسن، بی تا، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)*، تهران، دانشگاه تهران.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، ۱۴۰۹ق، *تأویل الآيات الظاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی همدانی، محمد، ۱۴۰۴ق، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، لطفی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت و دمشق، دار العلم و دار الشامیة.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۳.
- سبزواری، محمد، ۱۴۰۶ق، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف.
- سبزواری، محمد، ۱۴۰۹ق، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف.
- سید کریمی حسینی، عباس، ۱۳۸۲، *تفسیر علیین*، قم، اسوه.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات.
- شبر، عبدالله، ۱۴۰۷ق، *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*، کویت، شركة مكتبة الالفین.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تحقیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، دفتر نشر داد.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، قم، فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ق، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، مکتبه محمد الصادقی الطهرانی.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۶۹، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، *روضة الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، شریف ضی.
- فیض کاشانی، محمدحسین، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، تهران، صدر، چ ۲.
- فیض کاشانی، محمدحسین، ۱۴۱۸ق، *الأصفی فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- فیضی، ابوالفیض بن مبارک، ۱۴۱۷ق، *سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملك العلام*، قم، دار المنار.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، بی تا، *لطائف الاشارات*، تحقیق ابراهیم بسیونی، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، چ ۳.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر القمی*، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب.
- کاشانی، محمد بن مرتضی، ۱۴۱۰ق، *تفسیر المعین*، تحقیق حسین درگاهی، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۴.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مغنیه، محمدجواد، بی تا، *التفسیر المبین*، تهران، بنیاد بعثت.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، ۱۴۱۵ق، *إيجاز البیان عن معانی القرآن*، تحقیق حنیف قاسمی، بیروت، دار الغرب الإسلامي.

ب) مقاله‌ها

- بزرگ مقام، محسن، ۱۳۷۳، «اطلاق و نسبیت اخلاق»، *کیهان اندیشه*، ش ۵۸، ص ۴۴ - ۳۰، قم، مؤسسه کیهان.
- موحدی ساوجی، محمدحسن، ۱۳۹۳، «نقد نسبیت معرفت دینی از منظر قرآنی»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، ش ۶۲، ص ۱۲۰ - ۹۱، قم، دانشگاه قم.